

۲۰ مهر سال ۱۳۵۹ در این سمت مشغول به کار بود. در همین دوران، خداوند اولین فرزند (حامد) را در تاریخ ۱۹ تیر سال ۱۳۵۹ به وی عطا کرد. آقای احمد منتظری پس از وزارت ارشاد اسلامی، به عنوان بازرس کل و رئیس دفتر سرپرست جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران به این سازمان رفت و در ۲۱ آذر همان سال به عنوان معاون مالی - اداری در مرکز فنی ارتوپدی شماره یک جمعیت هلال احمر به خدمت مشغول گردید که تا آبان سال ۱۳۶۰ ادامه داشت. در آبان سال ۱۳۶۰، با حکم وزیر صنایع وقت، سید مصطفی هاشمی، به عنوان عضو موظف هیئت مدیره شرکت مولد سرما (کارخانجات صنعتی زاگراس) به این مجموعه رفت و تا اردیبهشت سال ۱۳۶۱ به عنوان عضو و رئیس هیئت مدیره مشغول به کار بود. وی که تا این سال مشاغل و مناسب مختلف را تجربه کرده بود، وارد مرحله اصلی شغل خود گردید و با حکمی در تاریخ اول خرداد ۱۳۶۱ به عنوان مدیرعامل وارد شرکت پخش نو (متعلق به بنیاد مستضعفان) شد و در مدت ۵ سال و ۸ ماهی که در این شرکت مشغول به کار بود، توانست با قدرت سازمان دهی و مدیریت خود این شرکت را توسعه و گسترش دهد. دومین فرزند وی (فاطمه) در این دوران، ۲۲ فروردین ۱۳۶۲، به دنیا آمد. در تاریخ اول دی ۱۳۶۶، او با حکم معاونت وزیر صنایع و مدیرعامل سازمان صنایع ملی به عنوان مدیرعامل و عضو موظف هیئت مدیره وارد شرکت پخش فردوس شد و مانند همیشه با تمام توان خود در ارتقای این شرکت تلاش کرد. از این رو، در سال ۱۳۶۸، مدیر گروه

صنایع دارویی سازمان صنایع ملی، دکتر محمود نجفی، طی نامه‌ای قدردانی و سپاس سازمان را به وی اعلام می‌کند. آقای منتظری در مهرماه سال ۱۳۶۹ استعفای خود را به دلیل خستگی به هیئت مدیره و مدیر گروه صنایع دارویی تقدیم می‌دارد اما دکتر نجفی در کنار نامه ایشان می‌نویسد: "لطف فرموده و از این گونه امور منصرف شوید و کما فی السابق به خدمت خود در همین سمت ادامه دهید." و بعد فاصله در تاریخ ۱۶ مهر، معاون وزیر و مدیرعامل سازمان صنایع ملی، جناب آقای جعفر مرعشی، طی حکمی ایشان را به عنوان نماینده شرکت داروسازی حکیم در هیئت مدیره شرکت پخش فردوس (موظف) منصوب می‌دارد. البته، این اولین استعفای ایشان نبوده و طی مدت ۴ سال و شش ماهی که به عنوان مدیرعامل و عضو هیئت مدیره در شرکت پخش فردوس مشغول به کار بودند، بارها استعفا کرده که هیچ کدام پذیرفته نشده است. سومین فرزند وی (حمید) که در آن سانحه جان خود را از دست داد، در همین دوران، ۴ خرداد ۱۳۶۸، به دنیا آمد و در هنگام فوت، ۱۷ سال و سه ماه سن داشت. احمد منتظری در مهرماه، ۱۳۷۰ به عنوان نماینده شرکت پخش فردوس (غیر موظف) در هیئت مدیره شرکت های داروسازی حکیم (غیرموظف) و کیمیدارو (غیرموظف) منصوب می‌گردد. در سال های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ سازمان صنایع ملی ایران آغاز به فروش شرکت های تحت پوشش به بخش خصوصی کرد و بدین ترتیب، مدیران دولتی، جای خود را به مدیران بخش خصوصی

چهل روز گذشت ...



دکتر مجتبی سرکندی

وی همزمان با تحصیل در این موسسه، در اداره سیلوی تهران مشغول به کار شد. در اول تیرماه سال ۱۳۵۳ لیسانس خود را در رشته حسابداری صنعتی اخذ کرد و در ۳۰ آذر ۱۳۵۳ اداره سیلورا ترک کرد تا به خدمت سربازی رود، دوران سربازی را با درجه سرکار ستوان دومی در قسمت امور مالی گذراند و در ۱۳ بهمن سال ۱۳۵۴ خدمت خود را به پایان رساند. سپس در خرداد سال ۱۳۵۵ در شرکت آ.س. پ به عنوان رئیس حسابداری و سرپرست کارگاه شمشک مشغول به کار شد. وی در تیرماه سال ۱۳۵۷ با خانم شیرین فرهی ازدواج کرد. پس از انقلاب، در ۱۶ اسفند سال ۱۳۵۷ به عنوان مشاور وزیر ارشاد اسلامی شروع به انجام وظیفه کرد و تا

در چهارم شهریور امسال خبر دردناکی جامعه داروسازی را در بهت و اندوه فرو برد. آقای احمد منتظری، یکی از مدیران نظام دارویی، همسر و یکی از پسرانش در سانحه رانندگی جان خود را از دست دادند. از این رو، بر آن شدیم به مناسبت چهلمین روز درگذشت این مدیر لایق، نگاهی به زندگی و نحوه مدیریت وی بیاندازیم.

آقای احمد منتظری در بیست و دوم تیرماه سال ۱۳۲۸ در خانواده متدینی در شهر تهران به دنیا آمد. پس از طی دوران طفولیت و نوجوانی در خانواده‌ای گرم و صمیمی، برای ادامه تحصیلات به موسسه عالی حسابداری راه یافت.

به عنوان مدیرعامل شرکت ندای محیا مشغول به انجام وظیفه بود.

او ۲۳ سال از عمر خود را در نظام دارویی به سر برد و در این مدت مدیری بسیار لایق، سخت گیرا، مهربان و دلسوز بود. هنوز پس از گذشت ۱۵ - ۱۴ سال، کارکنان شرکت پخش فردوس از محبت ها و کمک های وی یاد می کنند و از این که به هنگام بازدید از انبار با کارکنان بر سر یک سفره در روی زمین می نشستند می گویند. کسانی که به او نزدیک بودند، داستان های زیادی از کمک او به ایتم و افراد بی بضاعت به یاد دارند. وی بسیار مومن و خداترس بود. همسر وی نیز زنی عفیف، پاکدامن و خیرخواه بود که در تمامی عمر با آقای احمد منتظری هم فکر، هم گام و همراه بود. شاید به همین دلیل، خداوند خواست تا آنان در سفر به آخرت نیز همراه هم باشند. خداوند روحشان را شاد بدارد.

دادند. بنابراین در تاریخ اردیبهشت ۱۳۷۱، عضویت موظف ایشان در هیئت مدیره شرکت پخش فردوس به غیرموظف تبدیل گردید. وی پس از شرکت پخش فردوس به شرکت های فاخر و ندای محیا رفت. سپس، در آذرماه سال ۱۳۷۴ به عنوان مدیرعامل شرکت توزیعی داروپخش مشغول به انجام وظیفه گردید و مدت ۷ سال و ۸ ماه در این سمت کار کرد. او در این مدت توانست رتبه شرکت توزیعی داروپخش را به ۳۰ شرکت اول بزرگ تجاری دولتی و خصوصی ارتقا دهد. انبار مرکزی و مراکز پخش این شرکت که تا قبل از وی دارای شرایط نامناسبی به لحاظ انبارش دارو بودند، سر و سامان یافتند و در نهایت، ساختمان ستاد مرکزی شرکت توزیعی داروپخش در زمان مدیریت او آغاز و به اتمام رسید.

آقای منتظری پس از داروپخش یک سال در شرکت نداگستر میلاد به عنوان مدیرعامل مشغول به کار بود و پس از آن تا هنگام فوت

